

بهرام بیضایی

فحشنامه می کلمات

نمایشنامه

انتشارات روشنگران و مطالعات زنان

فتحنامه‌ی کلات

فهرست نسخه‌خوان

قصه‌خوان	آی بانو	توغای خان	توی خان
پرده‌دار	پیرزنان	دینکیز	ازلان
پاکار	زن پنج‌سر	با یاوت	گورخان
سفره‌دار		قنقرات	سولدوس
دوستاقبان		قارات خان	قراخان
میراجل		اینانج	اویرات
پیک‌ها		یولدوز	قایدو
پیشمرگ‌پیر		قایی‌بايات	اورخان
پیشمرگ‌جوان			وطواط
ایلچی			نایمان
دیپیر			یامات

صحنه: فضای خالی.

اسباب مجلس: توغ‌ها، درفش‌ها، پرچم‌ها، چرخ نخ‌ریسی، ارابه و آدمک، هفت سائبان‌آی بانو، سرهای بریده، جامه‌های کارزاری و جنگ‌افزارها.

قصه خوان

بشنوید، بشنوید، بشنوید

از قصه گوی کهن قصه بشنوید.

بشنوید از پهلوانان ریگزار

سواران ازدها پیکر و اسبان بی سوار.

توی خان و توغای خان

دو پهلوان؛ هر دو نامدار-

زیر سم توسنشان خارا شده غبار.

گره پیشانی، پولاد رگ، ستبر سینه، آهن مشتم

این هر که دید کشت، آن می شکست پشت.

دو دلاور که میدان کارزار

مانندشان ندیده؛ نه خود چشم روزگار.

در جنگ، جنگها کسی را معلوم نشد

که کدام چیره ترند، در نبرد خیره ترند

هر دو تیره پوش، کدام تیره ترند.

جنگ نه که مس می کوفتند

آن روز که دلیران روی خود را به خون دشمن شستند.

نامشان بس که دشمن سر اسیمه شود سوی بیابان

اما پنهان کجا شود از پرتیرشان؟